

دانش سیاسی - ۱۲

نویسنده

حسین بشیریه

برگردان

علی اردستانی

زینة های اجتماعی

انقلاب ایران

کتابخانه

نشر نگاه معاصر

زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران

نویسنده

حسین بشیری

برگردان

علی اردستانی

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیندکازمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: بهمن ۱۳۹۳ / شمارگان: ۱۱۰۰ / قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۱۰-۶

نشانی: مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه	: بشیری، حسین، ۱۳۳۲
عنوان و نام پدیدآور	: زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران / نویسنده: حسین بشیری؛ برگردان: علی اردستانی.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۴ ص: ۵/۲۱/۵×۱۴ س.م.
فروست	: دانش سیاسی؛ ۱۲.
شابک	: 978-964-9940-10-6
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
یادداشت	: عنوان اصلی:
یادداشت	: The State and Revolution in Iran, 1962-1982, ©1984
یادداشت	: کتابنامه: ص ۲۶۳-۲۷۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: دولت و انقلاب در ایران، ۱۹۸۲-۱۹۶۲.
موضوع	: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۲۰-۱۳۵۷
موضوع	: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۵۸-۱۳۷۶
شناسه افزوده	: اردستانی، علی، ۱۳۵۴ - مترجم.
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۵۰۱ / ۵ د ۹ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۳۸۶۶۳

فهرست

- ۹ یادداشت مترجم
- ۱۵ پیشگفتار
- ۱۷ مقدمه: چارچوب تحلیلی

فصل اول: تحول ساختار دولت (۲۵)

- ۲۵ فروپاشی دولت مطلقه
- ۳۰ طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی نوظهور
- ۳۷ طلوع و غروب لیبرالیسم
- ظهور اقتدارگرایی در بستر ادغام فزاینده‌ی ایران در ساختار اقتصادی و سیاسی
- ۴۰ غرب

فصل دوم: رژیم قدیم: حکومت پادشاهی (۵۵)

- ۵۶ حزب شاه
- ۶۰ پایه‌های وضع موجود در قبل از انقلاب
- ۶۰ نیروهای سرکوب‌گر و حمایت امریکا
- ۶۵ نفت و ثبات اقتصادی
- ۶۹ حمایت و کنترل طبقاتی
- ۷۰ بورژوازی صنعتی
- ۷۴ طبقه‌ی کارگر

۷۵	دهقانان
۷۸	حامی‌پروری

فصل سوم: خیزش ایدئولوژی انقلاب: احیای ناسیونالیسم اسلامی (۸۹)

فصل چهارم: بحران اقتصادی و بحران دیکتاتوری (۱۲۹)

۱۳۱	دوروی رفاه اقتصادی
۱۳۳	بورژوازی بالا
۱۳۴	طبقه کارگر
۱۳۵	بی‌ثباتی اقتصادی
۱۳۷	اقدامات پولیستی
۱۴۰	فروپاشی مناسبات مبتنی بر حامی‌پروری
۱۴۵	سوار بر بحران اقتصادی
۱۴۷	کابینه‌ی بحران: تغییر سیاست‌های پولیستی
۱۵۵	آزادسازی سیاسی

فصل پنجم: انقلاب از راه می‌رسد (۱۶۵)

۱۶۹	رژیم «آشتی ملی»
۱۷۱	اتحاد میانه‌روها و تندروها
۱۷۲	رژیم پراتوری
۱۷۳	رژیم مشروطه: اتحاد شکننده
۱۷۶	حاکمیت دوگانه
۱۷۷	جنگ داخلی

فصل ششم: به سوی بازسازی دولت (۱۸۳)

۱۸۳	احزاب سیاسی
۱۸۴	احزاب لیبرال بورژوازی طبقه‌ی متوسط
۱۸۷	احزاب بنیادگرای ضد لیبرال

۱۸۹	احزاب اسلامی رادیکال
۱۹۰	احزاب چپ‌گرا
۱۹۲	منازعات سیاسی
۱۹۳	حکومت میانه‌روها
۲۰۱	مسأله‌ی اجتماعی و تلاش برای انقلاب بیشتر
۲۱۴	سقوط میانه‌روها و تفوق تندروها

فصل هفتم: حکومت روحانیون بنیادگرا (۲۳۷)

۲۵۵	پی‌نوشت: ترمیدور
۲۶۱	نتیجه
۲۶۵	□ کتاب‌شناسی برگزیده
۲۷۹	□ نمایه

یادداشت مترجم

اگرچه با وجود مقدمه‌ی ورین مولف نگارش مقدمه‌ای دیگر زاید به نظر می‌رسد، اما با توجه به اهمیت موضوع کتاب که به بررسی یکی از مهم‌ترین حوادث ربع آخر سده‌ی بیستم می‌پردازد، تاملی کوتاه بر نحوه و نگرش کتاب حاضر به چنین موضوع مهم و برجسته‌ای ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی، برخلاف پدیده‌های علوم دقیقه، پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را نمی‌توان در قالب روش معینی گنجاند و فقط از یک زاویه‌ی دید به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخت. به سختی می‌توان چند متفکر یا اندیشمند سیاسی را یافت که در بررسی یک موضوع معین کاملاً از روش یکسانی بهره جویند؛ و حتی در صورت پیروی از روشی معین باز به دلیل وجود متغیرهای مختلف و اهمیت بعضاً متفاوت آن‌ها در نزد هریک از اندیشمندان نتایج یکسان و مشابهی به دست نمی‌آید. به عبارت دیگر، در حالی که در علوم فیزیکی همواره در صورت وجود شرایط آزمایشگاهی مشابه نتایج مشابهی - اعم از این که یک یا چند نفر آن آزمایش را انجام داده باشند - نیز به دست می‌آید، در علوم اجتماعی و به طور کلی علوم انسانی چنین وضعیتی حاکم نیست و ممکن است افراد مختلف در مورد پدیده‌ای سیاسی نتایج متفاوتی به دست آورند. به عنوان مثال، می‌توان به موضوع اصلی کتاب حاضر، یعنی انقلاب اسلامی، اشاره کرد. بررسی و ارزیابی اجمالی اکثر کتاب‌ها و رساله‌هایی که در این زمینه به نگارش درآمده‌اند، گویای همان مثل معروف «هر کسی از ظن خود شد بار من» است، در حالی که برای کسانی که می‌خواهند به گونه‌ای تخصصی‌تر به این موضوع بنگرند، هنوز جای این پرسش باقی است که بالاخره انقلاب اسلامی چیست. چگونه حادث

شد؟ ماهیت منافع گروه‌ها و دسته‌جات دخیل در انقلاب چیست؟ دولت برآمده از منازعات داخلی از چه ویژگی‌ها و مشخصاتی برخوردار است؟ رابطه‌ی دولت با طبقات و گروه‌ها چگونه بوده است؟ و اساساً آیا منازعات سیاسی درونی تأثیری بر ساخت دولت داشته است یا خیر؟ این مجموعه از کتب و رساله‌ها هر یک با تکیه بر علایق شخصی و زمینه‌های فکری متفاوت نویسندگان‌شان می‌کوشند تا تعبیری به زعم خود «معتبر» از این واقعه ارائه کنند.

البته می‌توان بر این گفته ایراد گرفت که در تمامی کتاب‌ها و رساله‌هایی که به بررسی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، به نحوی از انحاء به این موضوعات توجه شده است و نویسندگان آن‌ها کوشیده‌اند به پرسش‌های فوق پاسخ بدهند. این ایراد تا آن‌جا که این دسته از کتاب‌ها به توصیف و بیان سیر تاریخی وقایع انقلاب می‌پردازند، صحیح است، اما خوانندگان اهل خود به خوبی می‌دانند که بیان چگونگی وقوع حوادث و توصیف آن‌ها یک موضوع است، و مفصل‌بندی علایق طبقات و گروه‌های موجود در جامعه و تحلیل سیر تکاملی جامعه بر اساس منافع آن‌ها و نهایتاً ارائه‌ی توضیحی عینی و بی‌طرف از آن‌ها، که علم را در مسلك هیچ ایدئولوژی‌ای حتی دموکراسی قربانی نکند، موضوع دیگری است. برای نمونه می‌توان به دو کتاب رایج در این زمینه اشاره کرد: ریشه‌های انقلاب ایران و مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی. این دو کتاب که از سوی دو عالم سیاسی - به ترتیب خانم پرفسور نیکی کدی و دکتر صادق زیباکلام - نگارش یافته است، با ایدئولوژی و جانب‌داری از دیدگاه خاصی آمیخته شده است. خانم کدی اساساً انقلاب را در پرتو تشدید فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون در ایران و همدلی آشکار با اقشار مدرن تجزیه و تحلیل می‌کند؛ و دکتر زیباکلام، به ارزیابی انقلاب اسلامی از زاویه‌ی آن‌چه امروزه از آن تحت عنوان «امواج دموکراسی» یاد می‌شود، می‌پردازد. روشن است دل در گرو یک ایدئولوژی داشتن - فرقی نمی‌کند اسم آن ایدئولوژی چه باشد - و تبیین مسایل و پدیده‌ها در پرتو آن یک چیز است و تبیین عینی و بی‌طرف پدیده‌ها چیزی دیگر.

کتاب حاضر از معدودترین کتاب‌هایی است که با التزام به دیسپلین جامعه‌شناسی سیاسی می‌کوشد با حرکت بر فراز علایق فکری و روشن‌فکری به تبیین عینی و علمی از امر انقلاب مبادرت ورزد. در یک نگاه کلی، جامعه‌شناسی سیاسی برخلاف سایر نحلّه‌های فکری، که دیدگاهی آمرانه و از بالا به پایین دارند، اساساً در بررسی پدیده‌ها و تحولات

اجتماعی از پایین به بالا می‌نگرد و به جای بررسی روابط دولت با جامعه به بررسی روابط جامعه با دولت و تاثیر دگرگونی‌های حوادث در درون جامعه بر روی ساخت دولت می‌پردازد.^{۱۱} این موضوع که چرا چنین رشته‌ای با وجود امکانات تحلیل بالقوه‌ی قابل توجهش تاکنون در ایران مغفول مانده، موضوعی است که بررسی کامل آن در محدوده‌ی یک یادداشت کوتاه قرار نمی‌گیرد. اما تا آن‌جا که به بحث ما در این‌جا مربوط می‌شود، این امر ریشه در وضعیت کلی علوم انسانی در ایران دارد که اساساً فاقد روحیه‌ی تحقیق و پژوهش علمی است. این وضعیت هنگامی اسفبارتر می‌شود که نوبت به علوم کاملاً جدیدی نظیر جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی می‌رسد. اگرچه تاریخ تاسیس نخستین مدرسه‌ی علوم سیاسی در ایران به قبل از دانشگاه تهران می‌رسد، اما هنوز بخش عظیمی از منابع اصلی این رشته ترجمه نشده است و دانشجویان صرفاً به کتاب‌هایی که جنبه‌ی دانشنامه‌ای یا درسنامه‌ای دارند، اکتفا می‌کنند. این وضعیت که گمان نمی‌رود به این زودی نیز سامان یابد، موجب خسارات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری در ساحت فکر و اندیشه‌ی سیاسی شده است. اگرچه در طی به ویژه دو دهه‌ی اخیر ترجمه‌ی آثار اصلی رشد قابل ملاحظه‌ای یافته‌اند، اما متأسفانه بخش عمده‌ای از این ترجمه‌ها به شدت مخدوش هستند و فهم موضوع اصلی را دشوار ساخته است. این موضوع امروز خود به مساله‌ای چالش‌برانگیز تبدیل شده است.

قطع نظر از مجموعه آسیب‌هایی که در این زمینه می‌توان برشمرد و بر اهل فن نیز پوشیده نیست، مهم‌ترین این آسیب‌ها را باید در رواج گسترده و بیمارگون انواع نظریه‌های غیر علمی یا شبه علمی نظیر «نظریه‌های توطئه»^{۱۲}، «گفتارهای کلامی»^{۱۳}، «گفتار پسامدرن»^{۱۴*} و جز آن، مشاهده نمود. این دسته از نظریه‌ها با استحال و تخلیه‌ی مفاهیم از معنای اصلی خود فضایی کاملاً مجازی به وجود می‌آورند، خود را به نام علم «واقعی» و «حقیقی» جا می‌زنند و هرگونه چالش یا اعتراضی نسبت به خود را با برچسب «جهالت»، «جزم‌گرایی»، «پوزیتیویسم» و جز آن پاسخ می‌دهند. به عبارت دیگر، این فضا موجب شده است در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی – در این‌جا جامعه‌شناسی سیاسی و علم سیاست – کلمات و اصطلاحات اصلی و خاص آن‌ها اساساً

* در این‌جا لازم به ذکر است که سخن فوق به هیچ‌وجه به معنای نفی کل پروژه‌ی پست‌مدرنیسم نیست. در این‌جا بیشتر قرائت‌های کاملاً سطحی و غیر مسوولانه‌ای است که از این نحله‌ی فکری ارائه می‌شود.

معنای دیگری بیابند و حتی گاه به عنوان دشنام به کار برده شوند. به عنوان مثال می‌توان به اصطلاحات و واژه‌های خاص علم سیاست نظیر لیبرالیسم، سکیولاریسم، سوسیالیسم، میان‌رو، تندرو، بنیادگرا و جز آن اشاره کرد. این کلیات که در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی و علوم سیاسی معنا و جایگاه تاریخی خاص خود را دارند، هنگامی که در دست اهل سیاست و سیاست‌پیشگان می‌افتد، به مثابه‌ی ابزاری برای تخریب طرف مقابل به کار برده می‌شود. یکی دیگری را لیبرال و سکیولار و سوسیالیست یا کمونیست در معنای غریزه، بددین و وطن‌فروش معرفی می‌کند و دیگری آن یکی را تندرو و بنیادگرا در معنای تروریست و فاقد خرد و عقل جمعی معرفی می‌کند. موضوع هنگامی جالب‌تر می‌شود که گروه دیگری که در وسط طیف قرار دارد و می‌کوشد تا از دام افراط و تفریط اجتناب ورزد، به میانه‌روی در معنای سازش‌کاری و نفاق متهم می‌شود. روشن است که در چنین وضعیتی همه چیز می‌توان گفت جز سخن علمی که به‌طور طبیعی با اتهامات مشابهی روبه‌رو می‌شود. کافی است تحلیل‌گری درصدد بررسی عینی و علمی واقعه‌ای نظیر انقلاب اسلامی، که در آن تمامی گروه‌ها و طبقات با منافع خاص خود قرار دارند، برآید، تا با موجی از اتهامات و برچسب‌ها روبه‌رو می‌شود. روشن است چنین وضعیتی نتیجه‌ای جز تیرگی و عدم شفافیت بیشتر فضای موجود به بار نمی‌آورد. از همین رو، بر دانشجویان، پژوهش‌گران و به‌طور کلی اهل علم فرض است که با پرهیز و اجتناب از چنین رویه‌های غیر علمی و شبه علمی از یک سو و نقد مستمر آن‌ها از سوی دیگر، هم از حریم معنایی و واژگانی علم پاسداری کنند و هم علم را در مسلخ این یا آن گروه قربانی نکنند. به نظر می‌رسد کتاب حاضر چنین وظیفه‌ی دشواری را به عهده گرفته است و می‌کوشد فارغ از هر ایدئولوژی یا مکتب فکری خاصی اصول و قواعد جامعه‌شناسی سیاسی را در مورد مهم‌ترین حادثه‌ی ایران در سده‌ی بیستم به کار ببندد. این که نویسنده در چنین کاری توفیق داشته است یا خیر، موضوعی است که داوری در مورد آن به خود خوانندگان برمی‌گردد؛ اما آن چه مهم است و باید بر آن ارج نهاد، تلاش نویسنده در گسترش و تعمیق اصول جامعه‌شناسی سیاسی در ایران است. از همین رو، از خوانندگان محترم انتظار می‌رود کتاب حاضر را در پرتو نخستین گام‌های تعمیق رشته‌ی جامعه‌شناسی سیاسی در ایران مشاهده کنند که به‌طور طبیعی همانند هر کار آغازین و اولیه‌ای از لغزش‌ها یا اشتباهات احتمالی نمی‌تواند به دور باشد. قطع به یقین انتقادات سازنده و اصولی خوانندگان مددیار و راهگشای مولف و، به ویژه، مترجم خواهد بود.

اما موضوع دیگری که در این جا لازم به ذکر است و امکان دارد موجب سوء تفاهم شود، ترجمه‌ی اصطلاح فاندامن‌تالیسم^۱ است. چنان که می‌دانیم، این عبارت در زبان فارسی عمدتاً به بنیادگرایی ترجمه می‌شود. اگرچه این معادل درست و مبین محتوای عبارت اصلی است و ما نیز در این جا از آن استفاده کرده‌ایم، اما باید توجه داشت که امروزه با توجه به معنای منفی این کلمه در ادبیات سیاسی نمی‌تواند گویای تحولات عمیق دینی‌ای باشد که در سال‌های پیش از انقلاب در ایران رخ داده است. این امکان وجود داشت که از معادل‌هایی نظیر «اسلام‌گرایی» و «اصول‌گرایی» استفاده شود، اما چنان که پیداست این معادل‌ها هم نمی‌تواند وافی به مقصود باشد. متأسفانه، امروزه به واسطه‌ی وجود گروه‌های افراطی و تکفیری در سراسر جهان اسلام این واژه معنایی کاملاً منفی به خود گرفته است. این در حالی است که خاستگاه و ریشه این کلمه بازگشت به «اصل» و «بنیاد» یک چیز - در متن انقلاب ایران این موضوع را به طور مشخص می‌توان در شعار «بازگشت به خویش» دکتر شریعتی مشاهده کرد - است. به هر رو، در سراسر متن حاضر باید توجه داشت که منظور از بنیادگرایی احیای تفکر دینی به مثابه‌ی یک اپی‌تولوژی انقلابی است و نباید آن را در معنای مصطلح کنونی آن به کار برد.

موضوع دیگر به عنوان کتاب حاضر برمی‌گردد. عنوان اصلی آن «دولت و انقلاب در ایران» است. اگرچه ما می‌توانستیم همین عنوان را در این جا لحاظ کنیم، اما به نظر می‌رسد چنین عنوانی با توجه به رویکرد جامعه‌شناختی کتاب عنوان مناسبی برای خوانندگان فارسی نباشد. بر همین اساس، تلاش شد تا عنوانی متناسب با محتوای کتاب برگزیده شود.

در پایان، نگارنده لازم می‌داند تا از همه‌ی کسانی که در این راه به او کمک کرده‌اند کمال تشکر و سپاسگزاری را به عمل بیاورد. در این جا به ویژه باید از خانم دکتر فاطمه صادقی تشکر کنم که زحمت ویراستاری کتاب را کشیدند و با صبر و حوصله‌ای مثال‌زدنی تمام کتاب را با دقت مطالعه کردند و نکات بسیار سودمندی را گوشزد کردند. همچنین، باید از مدیریت محترم انتشارات نگاه معاصر، جناب آقای اکبر قنبری، و حروف‌نگار عزیز و توانای این انتشارات، جناب آقای امید سیدکاظمی کمال

تشکر و سپاس‌گزاری را بکنم. با این وجود، شاید آن که بیش از همه مستحق قدردانی است، مولف کتاب است که سال‌ها جور شاگردان بی‌بضاعتی نظیر نگارنده را کشیده است. امیدوارم ترجمه‌ی کتاب حاضر که بیش از دو دهه از تالیف آن می‌گذرد، بتواند قطره‌ای از دریای زحمات ایشان را جبران کند. روشن است در اشتباهات و تقصیرات احتمالی هیچ‌کس جز مترجم نقشی ندارد و تمامی آن‌ها متوجه‌ی این جانب است.

علی اردستانی

آبان یک‌هزار و سیصد و نود و دو خورشیدی

منابع

۱. برای اطلاع بیشتر از روش جامعه‌شناسی سیاسی رجوع کنید به:

— بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران (نشر فی)، (۱۳۷۴).

۲. برای آگاهی بیشتر در مورد تئوری توطئه بنگرید به:

— پرواند آبراهامیان، احمد اشرف و محمدعلی همایون کاتوزیان، جستارهایی درباره‌ی تئوری توطئه در

ایران، گردآوری و ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی، تهران (نشر فی)، (۱۳۸۳).

۳. برای نمونه‌ای از کاربریست دیدگاه کلامی بر روی انقلاب اسلامی بنگرید:

— عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، کتاب طوبی، ۱۳۷۹.

برای توضیح بیشتر در مورد کاربرد نادرست علم در گفتار روشن‌فکران پسامدرن بنگرید به:

— آلن سوکال و ژان برک مونت، یاهوه‌های مذبذب، ترجمه‌ی حلال حسینی تهران (نشر بازتاب‌نگار،

(۱۳۸۴).